تأثير متقابل دفاع مقدس و فرهنگ مهدويت

اميد درويشي

چكيده

فرهنگ مهدويت، فرهنگي است بسيار غني كه از ديرباز تاكنون در حوادث مختلفي خودنمايي كرده است. يكي از حوادثي كه فرهنگ مهدويت در آن نقش اساسي داشتند، قيام ملت ايران به رهبري امام خميني رحمه الله عليه مي‏باشد. در پي اين قيام، ملت ايران، وارد جنگي شد كه براو تحميل كردند.

بي‏‏شك، فرهنگ مهدويت تأثيراتي بر دفاع مقدس داشته است. در اين مقاله، به برخي از اين تأثيرها اشاره شده است، از جمله تبعيت از نايب امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف، افتخار سربازي براي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف و ايجاد ارتباط معنوي با امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف كه باعث شد حضور مردم در جبهه‏ها بيشتر گردد. در ادامه، به برخي از تأثيرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدويت اشاره شده است و در پايان، به برخي از صفات ياران امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف كه شهداي ما در عمل اين صفات را تفسير كرده‏اند، اشاره شده است.

كليد واژه‏ها: فرهنگ مهدويت، دفاع مقدس، امام خميني قدس سره، جنگ، شهدا، نايب امام زمان عليه السلام، ارتباط با امام زمان عليه السلام.

با نگاهي گذرا به انقلاب اسلامي ايران، مي‏فهميم كه اين انقلاب، حوادث تلخ و شيرين زيادي را پشت سر گذاشته است. هركدام از اين حوادث، جلوة خاصي به اين انقلاب شكوهمند داده است. يكي از اين حوادث حساس، جنگي ناجوانمرادنه بود كه برضد اين انقلاب آغاز شد، آحاد ملت ايران، براي دفاع از دين و تماميت ارضي خود، وارد عمل شدند و مقطعي حساس و درعين حال بسيار درخشان در تاريخ اين انقلاب عظيم به وجود آوردند كه از اين مقطع، به دوران «دفاع مقدس» ياد مي‏شود.

هشت سال دفاع مقدس، داراي ابعاد و زواياي گوناگوني مي‏باشد كه با بررسي هر يك از اين ابعاد، در مي‏يابيم فرهنگ‏هاي ناب و ارزشمند ديني را در درون خود جاي داده است. يكي از اين فرهنگ‏هاي اصيل، فرهنگ مهدويت است كه در دوران دفاع مقدس، جلوة خاصي يافت و درخشان‏تر از گذشته شد، دفاع مقدس در ترويج فرهنگ مهدويت، نقش بسزايي داشته است و فرهنگ مهدويت نيز در به وجود آمدن اين دفاع سرشار از قداست، نقش مؤثري ايفا كرده است. در اين نوشتار، كوشيده‏ايم به اين سؤال پاسخ دهيم كه تأثير متقابل بين فرهنگ مهدويت و دفاع مقدس چه بوده است؟

با توجه به معناي فرهنگ كه عبارت است از«دانش، ادب، علم و آثار علمي و ادبي يك قوم يا ملت[1]»، «مجموعة آداب و رسوم[2]»، مي‏توان بيان كرد كه فرهنگ مهدويت، به معناي مجموعه‏اي از دانش‏ها، آداب و علوم مربوط به حضرت بقية‏الله عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‏باشد. به عبارتي ديگر، فرهنگ مهدويت، به مجموعه‏اي از نگرش‏ها و ارزش‏ها و هنجارهاي مربوط به ظهور موعود از سلاله پاك پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله اطلاق مي‏شود[3].

طبق آية شريف 105 سورة انبياء[4] اين فرهنگ قدمتي ديرينه دارد و همة اديان الهي به ظهور يك منجي بشارت داده‏اند؛ ولي در دين اسلام، به واسطه تعاليم قرآن كريم و بيانات پيامبر اكرم و امامان معصوم عليهم السلام و همچنين مجاهدت علمي و فرهنگي علماي شيعه، ابعاد اين فرهنگ، بيشتر آشكار شد.

تأثير فرهنگ مهدويت بردفاع مقدس

با توجه به مفهوم انتظار كه عبارت است از «چشم به راه بودن[5]» و اين كه منتظر واقعي، چشم به راه آمدن آينده‏اي روشن است، ـ آينده‏اي كه در آن، تحولاتي عظيم در عرصه‏هاي مختلف جامعه ايجاد شود ـ مي‏فهميم كه انتظار، با سرشت و فطرت تمام مردم سازگاري دارد.

ميان تمام جوامع بشري، جامعه شيعي با ديدي عميق‏تر به مسألة انتظار مي‏نگرد و انتظار را آينده‏اي سرشار از خوبي‏ها و پاكي‏ها مي‏داند كه توسط فردي از نسل پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله حاصل مي‏شود، شخصيت عظيمي كه زنده است و روزي تمام خوبي‏ها و تمام عدالت را در جهان حاكم مي‏كند. اين ديد عميق به مسالة انتظار را از كلمات معصومان عليهم السلام برداشت كرده است كه فرموده‏اند: زمين را از قسط و عدل پر مي‌كند همانطور كه از ظلم و جور پرشده است.[6]

با دقت در روايات زيادي كه دربارة فرهنگ مهدويت وجود دارد و حتي به تواتر رسيده است، مي‏بينم دسته‏اي از آن روايات، به آماده كردن بستر اين قيام جهاني اشاره دارد. طي اين روايات، تمام انسان‏هاي منتظر دعوت شده‏اند كه به اندازة سعي و توان خود بكوشند تا ظهور امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف نزديك‏‏تر شود. امام صادق عليه السلام مي‏فرمايد:

هر يك از شما بايد براي خروج قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف )سلاحي( مهيا كند، هر چند يك تير باشد. خداي تعالي هرگاه بداند كسي چنين نيتي دارد، اميد آن است عمرش را طولاني كند، تا آن حضرت را درك كند.[7]

لذا هر شخص منتظر وظيفه دارد مقابل كج‏روي‏ها و ظلم‏ها و ستم‏ها مبارزه كند و جامعه را به سمت آينده‏اي روشن پيش ببرد و در اين راه، از هيچ تلاشي‌ـ حتي دادن جان خود ـ دريغ نكند. به دليل اين نوع تفكر است كه در تاريخ تشيع، نبردها و مبارزات زيادي به وجود آمده است كه نشان دهنده زنده بودن فرهنگ تشيع است؛ لذا در مكتب تشيع، تن دادن به حكومت هر حاكمي اشتباه است. جان دي استپل مي‏گويد: «از نظر تاريخي اسلام شيعه معتقد است كه هر دولت غيرمذهبي، ذاتاً فاسد است[8]».

همچنين وعاظ السلاطين مورّخ معروف اهل تسنن مي‏گويد:

به عقيده شيعه، هرحكومتي غاصب و ظالم است به هر شكل و در هر قالبي كه باشد، مگر آن كه امام معصوم يا نايب او، حكومت را در دست گيرد، به همين دليل شيعه در تاريخ، به طور مداوم در يك جريان انقلابي مستمر به سر مي‏برند، نه آرام مي‏گرفتند و نه آن را رها مي‏كردند[9].

يكي از مهم‏ترين مبارزات شيعي در سده‏هاي اخير، جنگ دو كشور ايران و عراق مي‏باشد كه اگر دقيق ريشه‏يابي شود، براي تشكيل حاكميت اسلام شيعي مي‏باشد، تا زمينه را براي حكومت جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف فراهم كند. با نگاهي دقيق به جنگ تحميلي مي‏فهميم كه اين جنگ را نگرشي همراهي مي‏كرد كه در پيروزي آن، بسيار مؤثر بود. آن نگرش، چيزي نبود جز نگرش انتظار و عجين شدن اين جهاد عظيم با فرهنگ مهدويت؛ چون فرهنگ مهدويت با فرهنگ استكبار و زورگويي، كاملاً متضاد مي‏باشد و به همين دليل، يك شخص منتظر، مستكبر نيست؛ بلكه مستكبر ستيز است و هر جا ظلم و ستمي ببيند، مقابل آن، قد علم مي‏كند؛ به همين دليل است كه رزمنده‏هاي ما با سلاح «يا مهدي» و «يا حسين» و... به صفوف دشمن حمله مي‏كردند و با سردادن اين شعارها و رجزها روحيه مي‏گرفتند. سرلشكر حسن فيروزآبادي مي‏گويد: «همه آن‏هايي كه جبهه رفتند، تربيت شده انتظار مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بودند؛ همان چيزي كه باعث شد جوان ايراني، جنگ‏‏جو باشد[10]».

فرهنگ مهدويت، در دفاع مقدس و شكل‏گيري آن، نقش‏هاي مؤثري داشته است كه در ذيل به برخي از آ‏ن‏ها اشاره خواهد شد.

1. پيروي از نايب امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف

اين كلام ناب حضرت مهدي عليه السلام كه مي‏فرمايد: «و اما در رويدادهايي كه در آينده پيش مي‏آيد، به راويان حديث ما رجوع كنيد؛ زيرا آن‏‏ها حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر ايشانم»[11]، وظيفه شخص منتظر را در عصر غيبت به خوبي روشن مي‏كند؛ به همين دليل، مردم شجاع ايران با تبعيت از نايب امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف در عصر خود، راهي جبهه‏هاي جنگ شدند؛ چون مي‏دانستند امام خميني رحمه الله عليه در جايگاه نايب عام امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف نگاهش را از خط سبز مهدويت گرفته است و از مصاديق بارز «رواة حديثنا» مي‏باشد؛ به همين دليل داراي جاذبه‏اي معنوي بود و بسيجي‏ها پروانه‏وار، گرد شمع وجودش مي‏چرخيدند و عاشق او بودند؛ چرا كه عاشق امام زمانشان بودند و عشق به امام راحل را در راستاي عشق به امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‏دانستند. آنان، معتقد بودند هر عشقي بدون عشق به امام زمان عليه‏السلام به كار آنان نمي‏آيد و اگر امام راحل حرفي مي‏زد و دستوري صادر مي‏كرد، دوستدارنش به هر قيمتي كه بود، خواستة آن بزرگوار را اطاعت مي‏كردند؛ چون واقعاً درك كرده بودند كه خواستة امام راحل در راستاي خواسته امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‏باشد.

يكي از مهم‏ترين خواسته‏هاي امام امت رحمه الله عليه حفظ نظام و مبارزه و جهاد در راه اسلام و ارزش‏هاي اسلامي و مهدوي بود. اين كه امام رحمه الله عليه مي‏فرمود: «امروز، جنگ بين اسلام و كفر است و برهمة مسلمين واجب است دفاع كنند[12]». و اين كه مي‏فرمودند: «من به تمام جهانيان با قاطعيت اعلام مي‏كنم كه اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دين ما بايستند، ما در مقابل همة دنياي آن‏ها خواهيم ايستاد و تا نابودي همة آن‏ها از پاي نخواهيم نشست[13]». به خاطر حفظ اسلام بود. مردم نيز حضور در جبهه‏ها را از وظايف شرعي خود مي‏دانستند.

يك پژوهش آماري در تعدادي از وصيت‏نامه‏هاي شهدا نشان مي‏دهد كه در هر وصيت‏نامه‏اي به طور ميانگين، چهار بار به نام امام، ولايت و امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و تبعيت محض از ولايت فقيه ذكر شده است[14].

اين كه شهيد حاج محمد ابراهيم همت مي‏فرمايد: «پيام من فقط همين است: در زمان غيبت، اطاعت محض از ولايت فقيه داشته باشيد[15]» نشان دهندة اين مطلب است كه رزمندگان ما با تمام وجود از ولي امر و نايب امام زمان خودشان تبعيت مي‏كردند. چه بسيارند پيام‏ها و وصيت‏نامه‏هايي كه نشان دهندة اين مطلب مهم مي‏باشند!

شهداي ما و يا رزمندگان ما در طول هشت سال دفاع مقدس، انتظار و اعتقاد به امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف را با پيروي از ولايت فقيه، در عمل و بسيار ملموس به ما نشان دادند. آنان، چون واقعاً اعتقاد داشتند كه راهشان و هدفشان و مكتبشان اسلامي و مهدوي است، مشتاقانه وارد جبهه‏هاي جنگ مي‏شدند.

2. ايجاد ارتباط معنوي

يكي ديگر از تأثيرات فرهنگ مهدويت بر دفاع مقدس، اين نكته است كه بسياري از رزمند‏گان براي يافتن ارتباط معنوي و حتي ديدار و ملاقات با حضرت بقية‏الله عجل الله تعالي فرجه الشريف در جبهه‏ها حاضر مي‏شدند. بي‏شك در دوران هشت سال دفاع مقدس، افراد زيادي توانستند با حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ارتباط معنوي خوبي برقرار كنند؛ چون محيط سرشار از معنويت جبهه‏ها اين زمينه را براي آنان فراهم مي‏نمود و آنان، با مناجات‏هاي شبانه با آن حضرت و فرياد‏هاي روزانة «يا مهدي ادركني» در هنگام نبرد، اعتقاد به فرهنگ مهدويت را در خود عميق‏تر مي‏كردند.

وصيت‏نامه‏ها، خاطرات و دست‏نوشته‏هايي كه از دوران دفاع مقدس از آن عزيزان سفر كرده برجاي مانده، دريايي است از فرهنگ مهدويت كه ارتباط‏ها، و حتي ملاقات‏ها و زمزمه‏هاي دلتنگي زيادي در آن‏ها موج مي‏زند. اگر در اين آثار برجاي مانده از آنان، دقت كنيم، به اين نكته مي‏رسيم كه با توجه به حجم عظيم اين قبيل خاطرات و آثار مكتوب، ارتباط و ملاقات با آن حضرت براي برخي از رزمندگان حاصل شده است.

مقام معظم رهبري در اين زمينه مي‏فرمايد:

خيلي از بزرگان ما در همين دوران غيبت آن عزيز و محبوب دل‏هاي عاشقان و مشتاقان را از نزديك زيارت كرده‏اند؛ بسياري، از نزديك با او بيعت كرده‏اند، بسياري از او سخن دلگرم‏كننده شنيده‏اند، بسياري از او نوازش ديده‏اند و بسياري ديگر بدون اين كه او را بشناسند، از او لطف و محبت ديده‏اند و او را نشناخته‏اند. در همين جبهه‏هاي جنگ تحميلي، جوان‏هايي كه در لحظه‏هاي حساس، احساس نورانيت و معنويت كرده‏اند، لطفي از غيب به سوي دل‏هاي خودشان حس و لمس كرده‏اند، نشناختند و نفهميدند.... پيوند ميان بسيجيان عزيز و حضرت ولي عصر مهدي موعود عجل الله تعالي فرجه الشريف عزيز يك پيوند ناگسستني است[16].

3. افتخار سربازي امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف

يكي ديگر از تأثيرات فرهنگ مهدويت بر دفاع مقدس، اين است كه رزمنده‏ها خودشان را سرباز امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‏دانستند و معتقد بودند اين مملكت، مملكت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و رهبر واقعي آنان، آن حضرت است. آنان پذيرفته بودند آن كسي كه در جبهه‏ها فرماندهي مي‏كند، خود حضرت مي‏باشد و با اين ديد وارد جبهه‏ها مي‏شدند؛ لذا نه تنها خسته نمي‏شدند، بلكه با تمام وجود در اين راه گام برمي‏داشتند و سختي‏ها و مشكلات را با جان و دل مي‏خريدند. امام خميني رحمه الله عليه چقدر زيبا دربارة آن بزرگواران بيان فرموده است كه:

همه شما چه ارتش چه ژاندارمري، چه سپاه پاسداران و داوطلباني كه براي دفاع از اسلام و دفاع از شرافت اسلامي خودشان به جبهه‏ها مي‏روند؛ همة شما لشكرهاي اسلامي هستيد. همة شماها ارتش امام زمان هستيد[17].

دست‏نوشته‏ها و وصيت‏نامه‏هاي شهداي ما، سرشار از مطالب ناب و ارزشمندي است كه بزرگان ما همواره به خواندن اين وصايا سفارش مي‏كرده و مي‏كنند. امام خميني رحمه الله عليه در اين باره مي‏فرمايد: «پنجاه سال عبادت كرديد؛ قبول باشد. يك روز هم يكي از اين وصيت‏نامه‏ها را بگيريد و مطالعه‏كنيد[18]». گوشه‏اي از اين وصيت‏نامه‏ها به اين مطلب اختصاص دارد كه اداره كننده اين جنگ، امامان معصوم عليهم السلام به ويژه امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‏باشد؛ براي نمونه در بخشي از وصيت‏نامة شهيد ناصر محمدخاني كه در تابستان 1361ش به فيض شهادت رسيده، به اين نكته چنين اشاره شده است: «ما هيچ نگراني نداريم؛ چون فرمانده ما امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است و در جلوي ما حركت مي‏كند[19]». او در ادامه از يك امداد غيبي خبر مي‏دهد كه امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف عنايتي به ايشان و همرزمانش كرده است و آن‏ها را از رفتن به يك ميدان مين بازداشته است. دوران دفاع مقدس، سرشار از اين حوادث و امدادهاي غيبي است كه در كتب مربوط به حماسه‏سازان جنگ به ثبت رسيده است.

اگر به حوادث جنگ تحميلي ـ به ويژه روزهاي اولية جنگ ـ نگاهي دقيق بيفكنيم، به خوبي مي‏فهميم كه اين جبهه‏ها سرشار از الطاف امامان معصوم عليهم السلام؛ به ويژه امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف بوده است؛ چرا كه طبق آمار و مستندات مراكز تحقيقاتي استراتژي جنگ، ملت ايران فقط با كشور عراق نمي‏جنگيد و صدام از كشورهاي زيادي كمك‏هاي انساني و تسليحاتي مي‏گرفت؛ براي نمونه «كشور سودان، صدها تن از سربازان ارتش سودان را به عراق اعزام كرد، تا در جبهه‏هاي شرقي رودخانة ميسيان در خط مقدم فعاليت كنند[20]». همچنين «افسران اسرائيلي برخي موانع دفاعي مانند "موانع فكه" و "مثلثي‏ها" را طراحي كردند[21]». بسياري از كشورهاي پيشرفته مانند «آلمان»، «فرانسه»، «امريكا»، «ايتاليا»، «سوئيس»... نيز علاوه بر كمك‏‏هاي مالي، با در اختيار قراردادن تسليحات نظامي و اطلاعات جاسوسي و ماهواره‏اي به عراق، اين كشور را روز به روز برضد ملت ايران كه واقعاً از نظر نظامي محروم بود، مجهزتر مي‏كردند.

با توجه به اين نكات كه تنها بخشي از آمارهاي موجود در اين باره است و با توجه به امكانات نظامي بسيار كم ايران و نداشتن يك نيروي منسجم و با تجربة نظامي، همچنين با توجه به تحريم اقتصادي كشور و ده‏ها دليل ديگر، باز هم مردم شهادت‏طلب ابران با تكيه بر الطاف الهي به مبارزه ادامه دادند.

مقام معظم رهبري در اين رابطه مي‏فرمايد:

ما غريبانه جنگيديم. در دورة جنگ، ارتش ما غريب، سپاه ما غريب، بسيج ما غريب بود. كساني كه مي‏خواستند حقيقتاً جانفشاني كنند، با غربت مي‏جنگيدند. از چه جهت غريب؟ از اين جهت كه هيچ نقطة دنيا با ما موافق نبود... . همة كشورهاي اروپاي شرقي از عراق حمايت مي‏كردند و به او سلاح و امكانات مي‏دادند[22].

آري؛ تنها چيزي كه با وجود دشمنان بسيار زياد و امكانات بسيار كم، ملت ايران را شكست‏ناپذير كرد، اميدواري آنان به پيروزي اسلام بر كفر بود. همين اميدواري آنان بود كه عقيدة آن‏ها به راه و مكتبشان را روز به روز محكم‏تر مي‏كرد. آنان با لمس كردن عنايات الهي و امدادهاي غيبي و توجهات امام معصوم عليهم‏السلام باور داشتند كه برحق هستند و دست ديگري هست كه اين جنگ را هدايت مي‏كند و سنگر به سنگر پيروزي نصيب آن‏ها مي‏نمايد.

رهبر معظم انقلاب در اين باره مي‏فرمايد:

در روز پانزدهم دي ماهِ سال 1359 من اين احساس را واقعاً در خود وجدان كردم كه صاحب اين ميدان، صاحب اين بيابان‏ها، صاحب اين صحنه پرشور و عظيم (اشاره به جبهه‏هاي جنگ) ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف است و بي‏گمان امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف هم‏اكنون با جسم و حضور جسمي و بدني‏اش، يا با توجهش، در ميان اين جنگاوران و جنگجويان است[23].

دليل ديگر براين ادعا كه چرخاننده اصلي جنگ الطاف الهي و عنايات امامان و به ويژه امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف بوده‏اند اين نكته است كه اگر به سن و سال فرماندهان جنگ در رده‏‏هاي مختلف توجه كنيم مي‏فهميم كه گردانندگان به ظاهر دسته اول جنگ، بين بيست تا سي سال سن داشته‏اند؛ براي نمونه شهيد خرازي در سن 27 سالگي، شهيد عليرضا موحد دانش در سن 25 سالگي، شهيد حاج محمد ابراهيم همت در سن 28 سالگي و شهيد حسن باقري در سن 25 سالگي به شهادت رسيده‏اند. علاوه بر فرماندهان جنگ بيشتر كساني كه وارد ميدان نبرد شدند، در سن كم و در بهار عمر خود بودند. خاطرات شهداي عزيز ما مملو است از داستان‏ها و خاطراتي كه برخي از مشتاقان به خاطر سن كم و عشق به دفاع از دين خود، در شناسنامه‏هايشان دست مي‏بردند، تا مشكل سني خود را حل كنند. امثال حسين فهميده و مسعود كمالي‏نياهاي سيزده ساله و بهنام محمدي‌ها در جاي جاي جبهه‏ها كم نبودند كه جاذبة معنوي نايب امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف قلوب عاشق آنان را جذب كرد و راهي ميدان‏هاي نبرد شدند. اگر كسي ادعا كند همه اين‏ها به تنهايي توانستند جنگ را اداره كنند، اولين چيزي كه اين ادعا را رد مي‏كند، سن كم رزمنده‏ها مي‏باشد. طبق آمار، «15200 تن از شهداي دفاع مقدس، بين 14 تا 24 سال سن داشته‏اند».[24]

همين افراد با سنين كم خود، حماسه‏‏ها آفريدند؛ چون مي‏دانستند اين جنگ، بين اسلام و كفر است و سرانجام، اسلام است كه پيروز مي‏شود. آنان، عقيده داشتند، پرچم اسلام در آينده‏اي نه چندان دور به وسيلة امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف بر كل عالم سايه مي‏افكند و خودشان را سربازان امام زمان مي‏دانستند و در اين راه، تمام سعي و تلاش خود را به كار مي‏بستند و از مصاديق بارز اين آية شريف شدند كه: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا).[25]

تأثير دفاع مقدس بر فرهنگ مهدويت

سال‏هاي نه چندان دور، تيرها و تيغ‏ها، توپ‏ها و تانك‏ها، تفنگ‏ها و قناسه‏ها، مين‏ها و نارنجك‏ها، سرنيزه‏ها و سيم‏خاردارها، حسيني‏ها و يزيدي‏ها، ابراهيم‏ها و نمرودها.... گرد هم جمع آمدند، تا از اروندها و شلمچه‏‏ها، از طلائيه‏ها و دهلاويه‏ها، از رملستان‏هاي فكه تا دشت عباس سرسبز، از كوه‏‏هاي پر برف غرب، تا دشت‏هاي بسيار گرم جنوب، «تپة الله‏اكبر»، «تپة المهدي» و «تپه‏هاي رملي فكه» و در وجب به وجب جبهه‏هاي جنوب و غرب كشور، يك بار ديگر سپاهيان اسلام، مقابل تمام كفر صف بكشد؛ شيرمردان سبز قامت، با تمام توان، پاي در شط خون نهند و تاريخ را متحير رزم خود نمايند؛ شقايق صفتاني كه حماسه آفريدند و هشت سال دفاع را به يك فرهنگ مقدس تبديل كردند، تا تشنگان حقيقت بتوانند به خوبي از اين فرهنگ محمدي و علوي و مهدوي نهايت استفاده را ببرند. رهبر عزيزمان چقدر حكيمانه مي‏فرمايد:

مي‏خواهم بگويم كه اين جنگ، يك گنج است. آيا خواهيم توانست اين گنج را استخراج كنيم يا نه؟ اين هنر ما است كه بتوانيم استخراج كنيم. امام سجاد عليه السلام توانست همان چند ساعت گنج عاشورا را استخراج كند. امام باقر عليه السلام و ائمه بعد از ايشان، استخراج كردند و آن‏چنان اين چشمة جوشان را جاري نمودند كه هنوز هم جاري است و هميشه در زندگي مردم منشأ خير بوده، هميشه درس داده و ياد داده كه چه كار بايد كرد. الآن هم همين‏طور است[26].

اگر ما با چشم گنج بودن به جنگ نگاه كنيم، همان‏طور كه پيش‏تر بيان شد، يكي از فرهنگ‏هاي ناب كه در درون اين گنج نهفته است، فرهنگ مهدويت مي‏باشد. اين فرهنگ را از جنبه‏هاي مختلف مي‏توانيم در درون اين گنج بررسي كنيم. دفاع مقدس بر فرهنگ مهدويت، تأثيرات زيادي دارد كه در ذيل، به چند نمونه از آن‏ها اشاره مي‏كنيم:

معرفي فرهنگ مهدويت

چون فرهنگ انتظار، با منافع استكبار سازگاري ندارد، همة سعي و تلاش استكبار اين است كه با تبليغات گستردة خود، مردم را سرگرم ماديات و جلوه‏هاي فريبندة دنيايي كند، تا ديگر به خودسازي و پيشرفت معنوي روي نياورد. براي مبارزه با اين فرهنگ، از شگردهاي مختلفي استفاده مي‏كند كه يكي از آن‏‏ها، كم‏رنگ جلوه دادن انتظار و فرهنگ مهدويت است. دشمن، علاوه بر كم رنگ جلوه دادن اين فرهنگ، پا را فراتر گذاشته و اصل اين فرهنگ را انكار مي‏كند. به قول رهبر معظم انقلاب:

قدرت‏هاي استكباري، خواهان غفلت و خواب‏آلود بودن و نيز عدم تحرك ملت‏‏ها هستند و چنين وضعيتي را بهشت خود مي‏دانند؛ اما انتظار فرج، موجب مي‏شود كه انسان، به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعيتي بهتر و برتر دست پيدا كند[27].

آنان در موقعيت‏هاي مختلف سعي كرده‏اند اين فرهنگ را به فراموشي بسپارند؛ براي نمونه در بسياري از دايرة‏المعارف‏هاي معروف دنيا كه بايد انصاف به خرج بدهند و حقايق را بنويسند، متأسفانه دربارة مساله مهدويت برعكس عمل شده و شديداً آن را انكار كرده‏اند.

در دايرة‏المعارف بريتانيكا و دايرة‏المعارف دين و اخلاق مارگلي يوت و همچنين در موسوعة المورد فرهنگ مهدويت را فرهنگي ساختگي تلقي كرده‏‏اند. دليل اين امر نيز بسيار واضح است. دشمنان شيعه مي‏دانند كه مسأله مهدويت و اعتقاد به آن، به اهداف آن‏‏ها ضربه مي‏زند و تا زماني كه مردم، به سلاح مهدوي مجهز هستند، دشمنان نمي‏توانند آن‏ها را در اختيار داشته باشند و برنامه‏هاي خود را بين آن‏ها پياده كنند؛ ولي دفاع مقدس ما توانست به خوبي فرهنگ انتظار و مهدويت را به گوش جهانيان برساند و به آن‏ها بفهماند كه از عوامل مهم پيروزي ملت ايران مقابل زورگويان عالم، روحيه انتظار و فرهنگ مهدويت است؛ چرا كه روحية انتظار، افراد يك جامعه را ظلم‏ستيز مي‏كند. دليل اين مطلب، نتايج كنفرانس تل آويو است كه در دسامبر سال 1948 م برگزار شد. و برابر مسألة مهدويت، واكنش نشان داد.[28] (همين مسأله باعث ساختن بازي‌هاي كامپيوتري مانند «يا مهدي» و نوشتن كتاب‌هايي مثل «Next war» مي‌شود كه در سطح وسيعي در اروپا و آمريكا پخش و منتشر شد).

زمينه‏سازان ظهور

يكي ديگر از تأثيرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدويت، فراهم كردن زمينة ظهور منجي عالم بشريت، بيش از گذشته مي‏باشد.

انديشه نجات از بي‏عدالتي و ظلم و جور كه از ابتداي تشكيل جوامع بشري آغاز شده و توسط پيامبران بر آن تأكيد شده است. توسط پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله و امامان معصوم عليهم السلام بيش از گذشته روشن شد. حتي ويژگي‏هاي اين منجي موعود، آشكارتر شد و مصداق خاصي يافت كه همان فرزند امام حسن عسكري عليه السلام مي‏باشد.

بخش زيادي از روايات در عرصة فرهنگ مهدويت، به نشانه‏هاي آمدن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف اختصاص يافته است. يكي از اين نشانه‏ها، ايجاد حكومت ديني و زمينه‏ساز از مشرق مي‏باشد كه قبل از حكومت جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، افكار عمومي دنيا را براي تشكيل حكومت آن حضرت آماده كند و شايد اين حكومت، همان حكومت پربركت جمهوري اسلامي ايران باشد.

پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله مي‏فرمايد:

«مردمي از مشرق قيام مي‏كنند و زمينه را براي حكومت مهدي فراهم مي‏سازند»[29].

امام باقر عليه السلام مي‏فرمايد:

گويي مي‏بينم مردمي در شرق قيام كرده، حق را طلب مي‏كنند؛ ولي به آنان نمي‏دهند. دوباره حق را مي‏طلبند و به آنان داده نمي‏شود. وقتي اوضاع را چنين ديدند، شمشيرهاي خود را برشانه‏‏ها مي‏‏گذارند. آن‏گاه حاضر مي‏شوند كه حق آنان را بدهند؛ اما آنان ديگر قبول نمي‏كنند، تا اين كه قيام مي‏كنند )حكومت تشكيل مي‏دهند( آن )حكومت( را جز به صاحب شما )امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف( تحويل نمي‏دهند. كشته‏هاي آن‏‏ها شهيد به شمار مي‏روند. آگاه باشيد اگر من آن زمان را درك كنم، خود را براي صاحب اين امر، نگاه مي‏دارم[30].

با سيري گذرا در تاريخ، مي‏بينيم پس از گذشت قرن‏ها از ظهور دين اسلام، متأسفانه اين دين، به دست دشمنان افتاد و جهانيان اين دينِ سرشار از پاكي را به نام اسلام اموي و وهابي شناختند؛ ولي ظهور انقلاب اسلامي ايران و دفاع مقدس كه از اصلي‏ترين مقوّمات اين انقلاب است، صداي اسلام محمدي را به گوش جهانيان رساند. ملت ايران، افتخار دارد كه بر افكار عمومي چنين تأثيري گذاشته است. امام خميني رحمه الله عليه در اين‌باره مي‏فرمايد:

چه كوته نظرند آن‏هايي كه خيال مي‏كنند چون ما در جبهه‏ها به آرمان نهايي نرسيده‏ايم، پس شهادت و رشادت و ايثار و از خودگذشتگي و صلابت بي‏فايده است! در حالي كه صداي اسلام‏خواهي آفريقا از جنگ هشت سالة ما است؛ علاقه به اسلام‏شناسي مردم در كل جهان، از جنگ هشت سالة ما است[31].

حماسه‏‏سازان هشت سال دفاع مقدس، با اهداي خون خود، ريشه‏هاي انقلاب را محكم كردند و مقابل حوادث و بلاهاي سخت، آن را حفظ كردند و با روحية شهادت‏طلبي و ايثار و فداكاري خود، زمينه‏ساز ظهور حضرت بقية‏الله عجل الله تعالي فرجه الشريف شدند.

شهادت، مرگي است آگاهانه كه شخصي جان خود را در طبق اخلاص مي‏گذارد و آن را فداي دين و مذهبش مي‏كند. به نظر شهيد مرتضي مطهري، «شهادت، دو ركن دارد: يكي اين كه در راه خدا و في‏سبيل‏الله باشد؛ هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فداي هدف نمايد. ديگر آن كه آگاهانه صورت گرفته باشد»[32].

حال، جاي اين سؤال هست كه آيا كسي بدون داشتن روحية شهادت‏طلبي مي‏تواند خود را منتظر واقعي بداند و ادعا كند كه منتظر آمدن آن حضرت مي‏باشد، در حالي كه از بذل جان خود در راه اين هدف مقدس خودداري مي‏كند؟ بدون شك كساني مي‏توانند خود را منتظر واقعي معرفي كنند كه بتوانند آن وجود پاك را ياري كنند و تا آخرين قطرة خون خود، دست از ياري حضرت برندارند. و اين، دقيقاً همان كاري بود كه رزمندگان ما با نايب امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف كردند.

منتظري كه شهادت‏طلب نباشد، چطور مي‏تواند در جنگي كه مقياس جهاني دارد، شركت كند؟! شهيد زين‏الدين در اين باره مي‏گويد: «در دوران غيبت، به كسي منتظر مي‏گويند كه منتظر شهادت باشد»[33].

با بررسي خاطرات و حالات شهداي جنگ، به وضوح پي مي‏بريم كه چقدر آگاهانه اين مرگ سرخ را انتخاب كرده‏اند؛ لذا با ترويج فرهنگ دفاع مقدس، مي‏توان نسل منتظر را آبديده‏تر كرد.

سيد شهيدان اهل قلم؛ سيد مرتضي آويني مي‏گويد:

قرن‏ها زمين، انتظار مرداني اين چنين را مي‏كشد تا بيايند و كربلاي ايران را عاشقانه بسازند و زمينه‏ساز ظهور باشند. آن مردان، آمدند و رفتند و فقط من و تو جا مانده‏ايم و از اين جريان، چيزي نفهميديم. آيا پس از سالها، وقت آن نرسيده است كه به خود آييم؟

در جايي ديگر مي‏گويد: «امام، به ما آموخت كه انتظار، در مبارزه است و اين، بزرگترين پيام او بود. پس از او اگر باز هم اميدي ما را زنده نگاه مي‏دارد، همين است كه براي ظهور آخرين حجت حق، مبارزه كنيم».

آري؛ امام خميني رحمه الله عليه با آگاهي، بصيرت و شجاعتي كه داشت، به انقلاب اسلامي اقدام كرد، تا زمينه‏هاي انقلاب اسلامي مهدوي را فراهم كند. او، همة عاشقان حضرت مهدي عليه‏السلام را از منظر فكري رهبري كرد و به آن‏ها آموخت كه منتظر پيروزي نهايي باشند. البته نه اين كه معجزه‏اي بشود و كارها خود به خود درست بشود، بلكه بايد خون دل خورد و استقامت كرد. آن بزرگوار، جملة معروف «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»[34] را بيان كرد؛ يعني تا آن‏جا كه قدرت داريد، به نبرد ادامه دهيد، تا اين كه فتنه از عالم برداشته شود. امام كاظم عليه السلام قرن‏ها پيش اين منتظران را اين گونه نويد داده است:

مردي از اهالي قم، مردم را به سوي حق فرا مي‏خواند. گروهي كه دل‏هاي آنان، چون پاره‏هاي آهن است، گرد او جمع مي‏شوند. طوفان‏هاي سخت، آنان را نمي‏لرزاند و از جنگ خسته نمي‏شوند و بيمي به خود راه نمي‏دهند؛ بر خدا توكل مي‏كنند و عاقبت، از آن پرهيزكاران است.[35]

آقاي كوراني از محققان فرهنگ مهدويت در اين‌باره مي‏گويد:

روايات، تاريخ وجود اين مرد را مشخص نكرده‏اند؛ ولي در تاريخ قم و ايران، چنين شخصيت و ياراني داراي اين صفات برجسته قبل از امام خميني رحمه الله عليه و يارانش بي‏سابقه بوده است..... . گاه گفته مي‏شود: درست است كه در تاريخ قم و ايران ظاهر شدن چنين مرد وعده داده شده‏اي را با ياراني داراي چنين صفات برجسته كسي سراغ نداشته است... . اما دليلي هم نداريم كه اين روايت، منطبق بر امام خميني و ياران وي باشد، شايد منظور، مرد ديگري باشد كه در عصر و زمان ما ‌ظاهر خواهد شد و يا اين كه بعد از مدتي طولاني يا كوتاه خواهد آمد... .

پاسخ: آري درست است كه در روايت آن‏گونه كه بيان كرديم، زمان اين پيشامد روشن نشده است؛ اما مجموعة صفاتي كه در روايت آمده، به علاوه آنچه كه در روايات متعدد ديگر دربارة قم و ايران وارد شده است، موجب اطمينان به اين معنا است كه مراد از صفات ياد شده، امام خميني و ياران وي مي‏باشد... ؛ بنابراين اگر پيامبر صلي الله عليه و آله و امامان عليهم السلام از حادثه و پيشامدي خبر دادند كه منطبق بر وضع موجود باشد، معقول نيست از آن چشم‏پوشي كرد و آن را بر قضيه حادثه‏اي مشابه آن يا واضح‏تر كه وعدة پيامبر صلي الله عليه و آله ، و اهل بيت او عليهم السلام برآن منطبق شود، حمل نماييم...[36] .

الگوهاي مناسب براي منتظران

يكي از تأثيرات دفاع مقدس بر فرهنگ مهدويت، الگوسازي براي نسل منتظر و ياوران حضرت مي‏باشد. هر انقلاب، به ياران و همراهان فداكاري نياز دارد تا به كمك‏هاي فيزيكي و معنوي آن، انقلاب را به پيش ببرند. حكومت جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز از اين قاعده مستثنا نيست و مسلماً به كمك ياران و همراهي مخلصانه نياز دارد.

روايات، ويژگي‏هاي خاصي براي ياران حضرت ذكر مي‏كنند كه با تفكر در آن‏ها و تشخيص ميزان انطباق خودمان بر اين ويژگي‏ها، مي‏توانيم بفهميم در اين مبارزة جهاني، چه جايگاهي داريم. آيا ما نيز در خيل سپاه حضرت هستيم يا مقابل آن حضرت، صف مي‏كشيم؟

برخي گمان مي‏كنند ويژگي‏هايي كه در روايات، براي ياران حضرت ذكر شده، ويژگي‏هايي كاملاً استثنايي است و اگر در روايات آمده است: «مرداني كه قلب‏هايشان چون پاره‏هاي آهن است[37]» يا اين كه «هر مرد از آن‏ها، قوت چهل مرد را دارند» يا رواياتي كه خبر از مناجات‏هاي خالصانة در دل شب‏ها و جنگيدن شجاعانه در روزها مي‏دهند، همة اين‏ها را كسي نمي‏تواند دارا باشد؛ به ويژه در اين مقطع زماني كه مردم غرق ماديات شده‏اند و هركسي به فكر منافع شخصي خود است؛ ولي دفاع مقدس ما ثابت كرد حتي در عصري كه عصر ظلم و ستم است، باز هم مي‏توان اين ويژگي‏ها را كسب كرد. به عبارتي ديگر رزمنده‏هاي ما در طول جنگ، اين روايات را عملاً تفسير كردند و نشان دادند كه ياري حضرت در هر عصر و هر زماني ممكن است؛ هر چند آن زمان، پر از گناه و معصيت باشد و بر تمام آن روايات مهر صحّت زدند. شهداي ما، بهترين مصداق براي اين ويژگي‏ها هستند؛ مصداق‏هايي كه سال‏هاي نه چندان دور در همين كوچه‏هاي زميني كنار ما زندگي مي‏كردند؛ ولي اكنون آسماني شده‏اند. شهداي ما، مصداق (يجاهدون في‏سبيل‏الله) هستند؛ آنان نمونة بارز «زبرالحديد» هستند، مصداق بارز «من انصاره و اعوانه» هستند، آنان مصداق (اشداء علي‏الكفار رحماء بينهم) هستند، شهداي ما الگوهاي مناسبي براي مهدي باوران و مهدي ياوران هستند.

شهداي ما ويژگي‏هاي زيادي از ويژگي‏هاي ياران امام عصر عليه‏السلام را داشتند كه در ذيل به دو نمونه از آن‏ها اشاره مي‏كنيم.

الف. روحية شهادت‏طلبي

روحية شهادت‏طلبي و هديه جان در راه جانان، در جبهه‏ها موج مي‏زد؛ چون با آگاهي و بصيرتي كه داشتند، يقين پيدا كرده بودند پا در راهي گذاشته‏اند كه حق است.

اگرما شنيده‏ايم مولاي متقيان، اميرمؤمنان در وصف ياران امام عصر عليه السلام مي‏فرمايد: «)ياوران مهدي( شهادت را مي‏طلبند و همواره آرزو دارند در راه خدا كشته شوند»[38]، دفاع مقدس ما اين واقعيت را ملموس‏تر كرد و در معرض تماشاي خيل منتظران قرار داد، تا بتوانند شهادت‏طلب باشند.

اين كه شهيد زين‏الدين فرمانده دلاور لشكر علي‏ابن ابي‏طالب عليه السلام در اولين برخوردها با همسرش مي‏گويد: «شما بايد بدانيد من قبلاً ازدواج كرده‏ام. من با جبهه و جنگ ازدواج كرده‏ام و شما همسر دوم من هستيد. انتهاي راه من، شهادت است و اگر جنگ تمام شود و من شهيد نشوم، هر كجا كه جنگ حق بر ضد باطل باشد، مي‏روم تا شهيد شوم[39]» نشان دهندة روحية شهادت‏طلبي او و امثال او است.

برخي از شهدا، آن قدر شيفتة شهادت بودند و با دعا و راز و نياز با خداوند و توسل به امام معصوم عليه السلام اين تمنا را داشتند و به سبب صفاي باطن خود، به اين معرفت رسيده بودند كه نحوة شهادت و زمان و مكان شهادت خودشان را مي‏دانستند و به رفقاي هم‏رزم خود اعلام مي‏كردند؛ براي نمونه سردار رشيد اسلام، عبدالحسين برونسي فرمانده تيپ 18 جوادالائمه عليه السلام كه در رشادت و ايثارگري زبانزد بود، قصة شهادتش آن قدر برايش روشن بود كه به هم‏رزم‏هايش گفته بود: «اگر من در فلان تاريخ و فلان جا شهيد نشوم، به مسلماني من شك كنيد». يكي از هم‏رزمان او مي‏گويد: چند روز قبل از عمليات بدر، توي چادر فرماندهي نشسته بوديم.... يك دفعه گفت: اخوان! اين عمليات، ديگه عمليات آخر منه ..... پرسيدم: «حاجي! چي شده كه اين روزها همه‏اش از شهادت حرف مي‏زني؟» .... گريه‏اش كمي آرام گرفت. ادامه داد: مطمئنم توي اين عمليات مهلتي را كه برام مقرر كردن تا روي اين زمين خاكي زندگي كنم. تموم مي‏شه؛ بايد برم[40]».

همچنين حاج قاسم ميرحسيني جانشين فرمانده لشكر ثارالله كه قبل از عمليات كربلاي چهار رفقايش نگران اين بودند كه آسيب نبيند، مي‏گفت: نترسيد. توي اين عمليات شهيد نمي‏شوم. حتي مجروح هم نمي‏شوم، «ولي در شب عمليات كربلاي پنج اشاره به پيشاني‏اش كرد و گفت: تير، اين جاي من مي‏خورد و من شهيد مي‏شوم»..... و همان شد كه گفت[41].

ب. محكم و استوار و مبارز بودن

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: «همانا دل هر مردي از ايشان )ياوران مهدي( از پاره‏هاي فولاد، محكم‏تر و استوارتر است. اگر به كوه‏ها بگذرند، كوه‏ها هم در هم فرو مي‏ريزند[42]».

امام صادق عليه السلام مي‏فرمايند: «راد مرداني كه قلوبشان سخت‏تر از سنگ، چون پاره‏هاي آهن است، بدون هيچ شك و ترديدي به ذات خداوند[43]».

در اين دو روايت، صفاتي مانند مقاوم بودن، مبارز بودن، ايمان قوي و.... وجود دارد كه دفاع مقدس الگوهاي خوبي در اين زمينه معرفي مي‏كند. جاي جاي جبهه‏هاي جنگ، رزمنده‏ها حيدرگونه مي‏جنگيدند و خستگي به خود راه نمي‏دادند. خاطرات شهدا، پر است از نخوابيدن‏هاي متوالي و مبارزه‏هايي كه با قلم قابل وصف نيستند. شهيد خرازي ده‏ها بار مجروح مي‏شود و بنا به نقلي بعد از 27 بار مجروحيت به شهادت مي‏رسد. نقل شده است كه به سبب يكي از مجروحيت‏هايش دكتر 45 روز به او استراحت داده بود و او را به خانه آورده بودند. هنوز عصر نشده بود كه گفت: «بابا! من حوصله‏ام سر رفته» گفتم: «چه كار كنم؟» گفت: «من را ببريد سپاه تا بچه‏ها را ببينم». بردمش، تا ساعت ده شب خبري از او نشد. ساعت ده تلفن زد و گفت: «من اهوازم، بي‏زحمت داروهايم را بدهيد يكي بياورد[44]».

شهيد مهدي باكري در وصف پاسدار مي‏گويد: «پاسدار يعني كسي كه كار كند و بجنگد؛ خسته نشود، نخوابد[45]» و واقعاً خودش هم همين‏طور بود. اين‏ها همه نشانه‏هاي استواري آنان بود و اين استواري و مقاومت و مجاهدت چقدر زيبا توسط شهدا در جاي جاي جبهه‏ها به نمايش گذاشته شد.

با توجه به اين كه فرهنگ مهدويت با بياني مختصر به معناي «زندگي مهدوي و امام زمان پسندانه» مي‏باشد، يكي از جلوه‏هاي زيباي اين زندگي، واكنش مقابل ظلم و ظالمان مي‏باشد. اين جلوة زيبا، در دوران جنگ تحميلي، بيشتر ظهور يافت، چرا كه ملت ايران، مقابل زورگويي‏هاي استكبار جهاني و همچنين مقابل دست نشانده استكبار در منطقه، خيزش عظيمي انجام داد. آحاد ملت ايران بسيج شدند. اين خيزش، داراي يك پشتوانه بسيار قوي بود كه عبارت بود از عشق و علاقة مردم غيور ايران به امام عصر عليه السلام كه در قالب تبعيت از امام راحل رحمه الله عليه متجلي شد. اگر جنگ ما اين پشتوانه را نداشت، اصلاً قداست و معنويتي نداشت و ملت ايران به خوبي و از روي اشتياق وارد جبهه‏ها نمي‏شدند و جان خود را آگاهانه و عاقلانه و عاشقانه فدا نمي‏كردند و اين چنين پاي در شط خون نمي‏گذاشتند. فرهنگ مهدويت به جبهه‏ها رونق مي‏بخشيد و دفاع مقدس نيز با جلوه‏هاي متنوع خود، فرهنگ مهدويت را پربارتر و عميق‏تر كرد.

ان‏شاءالله خداوند به ما و تمام منتظران واقعي توفيق عنايت فرمايد تا با تأسي به سيرة عملي شهدا كه ياران آخرالزماني امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف، مي‏باشند، زمينه ظهور حضرتش را بيش از پيش فراهم كنيم.

تاريخ تحويل: 24/7/1387

تاريخ تأييد: 25/10/1387

[1]. حسن عميد. فرهنگ عميد، تهران، انتشارات اميركبير، 1361ش، ص872.

[2]. محمد معين، فرهنگ معين، ج2، تهران، انتشارات اميركبير، چ چهارم، 1360ش، ص2538.

[3]. غلامرضا بهروزلك، «اهميت مهدويت در نظرخواهي از دانشوران» فصلنامه انتظار، سال چهارم، شماره يازدهم و دوازدهم، 1383، ص31 ـ 53.

[4]. (ولقد كتبنا في‏الزبور من بعد الذكر انّ الارض يرثْها عبادي الصالحون) انبياء(21):105.

[5]. محمد معين، فرهنگ فارسي، (ذيل كلمة انتظار) ج1، تهران، انتشارات اميركبير، چاپ چهارم، 1360ش، ص364.

[6]. اين حديث را همه چهارده معصوم بيان كرده‏اند ودر كتب عامه و مصادر شيعي آمده است: «يملا الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا».

[7]. «ليعدن احدكم لخروج القائم و لو سهماً فان الله تعالي اذا علم ذلك من نيّته رجوت لطول في عمره حتي يدركه»؛ محمد بن ابراهيم نعماني، غيبت نعماني، قم، نورالهدي، 1422ق، ج10، ص320.

[8]. رحيم كارگر «انتظار و انقلاب» فصلنامه انتظار، سال اول، شماره دوم، ص126 ـ 146.

[9]. مسعود پورسيد آقايي، تاريخ عصر غيبت، قم، انتشارات حضور، 1379ش، ص376.

[10]. خبرنامه همايش دكترين مهدويت، شماره هشتم، ص16.

[11]. «واما الحوادث الواقعه فارجعوا الي رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة‏الله عليهم»، طبرسي، احتجاج، ص28.

[12]. امام خميني، صحيفه نور، ج13، ص 239.

[13]. همان، ج20، ص118.

[14]. علي تقي زاده اكبري، عوامل معنوي و فرهنگي دفاع مقدس، قم، مركز تحقيقات اسلامي، 1380ش، ج1، ص161.

[15]. ابراهيم رستمي، طنين همت، قم، نشر جمال، چاپ دوم، 1384ش، ص5.

[16]. مرتضي نائيني «جان و جانان» فصلنامه انتظار موعود، سال اول، شماره دوم، 1380، ص19 ـ 60..

[17]. امام خميني، پيشين، ج2، ص 7-146.

[18]. همان، ج14، ص 491.

[19]. محمد اصغري‌نژاد، يك فروغ از رخ ساقي، قم، امام سجاد، 1385ش، ص154. ر.ك: متن وصيت‏نامه اين عزيز در بنياد شهيد قم.

[20]. محمدباقر حيدري كاشاني، نسل طوفان، قم، زلال كوثر، چاپ دوم، 1386ش، ص83، (به نقل از لايه‏هاي پنهان جنگ).

[21]. ويژه‏نامه حماسه فتح خرمشهر، ص27، (به نقل از لايه‏‏هاي پنهان جنگ).

[22]. ماهنامه فرهنگي اجتماعي فكه، ش38، ص 1.

[23]. مرتضي نائيني، پيشين، 1380، ص19 ـ 60.

[24] ويژه‏نامه حماسه فتح خرمشهر، خرداد83، ص 26.

[25]. فصلت(41):30.

[26]. 25/4/70 در ديدار با مسئولان، نويسندگان و هنرمندان دفتر هنر و ادبيات مقاومت حوزه هنري سازمان تبليغات اسلامي.

[27]. مرتضي نائيني، پيشين، ص37.

[28]. حسن بلخاري، تهاجم يا تفاوت فرهنگي، انتشارات حسن افرا، قم، چاپ دوم، 1378ش، ص100.

[29]. «يخرج ناس من المشرق فيوطئون للمهدي سلطانه»؛ شيخ علي يزدي حائري، الزام الناصب، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، 1983م، ج2، ص14.

[30]. «كاني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه فاذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم علي عواتقهم فيعطون ما سالوا فلا يقبلون حتي يقدموا و لا يدفعونها الا الي صاحبكم، قتلاهم شهداء، اما اني لو ادركت ذلك لا ستبقيتُ نفسي لصاحب هذا الامر»؛ محمد بن ابراهيم نعماني، پيشين، ص145.

[31]. امام خميني، پيشين، ج21، ص 214.

[32]. شهيد استاد مرتضي مطهري، قيام و انقلاب مهدي، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سي و پنجم، 1387ش، ص71.

[33]. محمد قاسم فروغي جهرمي، ره يافتگان وصال، ناشر مركز فرهنگي سپاه، 1373ش، ص113.

[34]. امام خميني، پيشين، ج19، ص82.

[35].«رجل من اهل قم يدعوا الناس الي الحق معه قوم كز بر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف لايملون من الحرب و لا يجبنون و علي الله يتوكلون و العاقبة للمتقين»؛ علامه مجلسي، بحارالانوار، داراحياء التراث العربي، چاپ سوم، 1403ق، ج57، ص 216.

[36]. علي كوراني، عصر ظهور، تهران، شركت چاپ و نشر بين الملل، چاپ سوم، ص237- 238.

[37]. علامه مجلسي، پيشين، چ5، ص 38.

[38]. «يدعون بالشهادة و يتمنون ان يقتلوا في سبيل الله»؛ علامه مجلسي، پيشين، ج57، ص304.

[39]. حيدري كاشاني، پيشين، ص89.

[40]. سعيد عاكف، خاكهاي نرم كوشك، سال نشر1385ش، ص250.

[41]. ابراهيم رستمي، كرامات الشهداء، قم، انتشارات حديث نينوا، 1383ش، ص61.

[42]. «ان قلب رجل منهم اشد من زبر الحديد لو مروا بالجبال لتدكدكت»؛ القندوزي، ينابيع الموده، ناشر دارالاسوه، 1416ق، ج3، ص730.

[43]. «رجال كان قلوبهم زبر الحديد لايشوبها شك في ذات الله اشدّ من الحجر»؛ علامه مجلسي، پيشين، ج52، ص38.

[44]. محمد نيلچي، و خدا بود و ديگر هيچ نبود، ص125.

[45]. بهزاد دانشگر، خدمت از ماست، بوستان فدك، 1382ش، ص161.